

حمایت از انتخابات هندوراس؛ مفهوم متناقض آمریکا از دموکراسی

ایالات متحده آمریکا با تمسک به شعار دموکراسی می‌کوشد به احیای سلطه خود در منطقه آمریکای لاتین نایل شود. وارونه جلوه‌دادن تعاریف و استفاده متناقض از مفاهیم آرمان‌گرایانه، به تولید ادبیاتی ابزار می‌انجامد که مغایر با ادبیات تعالی بخشی است که آرمان آزادی و برابری را برای کشورهای آمریکای لاتین تأمین خواهد کرد.

اساسی، غیرقانونی و نامشروع^۲ اعلام کردند و نتایج حاصل از آن را ضربه‌ای بر ارزش‌های دموکراتیک آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب دانستند.

برگزاری انتخابات مجدد در شرایطی که دولت قانونی زلایا، قدرت را در دست نداشت، به معنای برگزاری انتخابات توسط دولت کودتا یا عوامل خارجی است که خود تأییدی است بر پذیرش کودتا و عزل غیرقانونی زلایا^۳. از این رو حمایت آمریکا از انتخابات و نتایج آن، به

در خاتمه نشست مرکوسور (MERCOSUR)^۱ که اندکی پس از کودتای هندوراس در پاراگوئه برگزار شد، رؤسای جمهور پاراگوئه، آرژانتین، برزیل، اروگوئه، شیلی، بولیوی و نمایندگان کلمبیا، پرو و ونزوئلا، کودتای مذکور را محکوم کردند. ایشان همچنین از جامعه بین‌الملل خواستند رژیم "دوفاکتو de facto" را محکوم کرده و هیچ انتخاباتی را تا زمان بازگشت زلایا به قدرت به رسمیت نشناسد. لازم به ذکر است که دوران ریاست جمهوری زلایا، پایان ژانویه سال 2010 میلادی به اتمام می‌رسید که کودتایی علیه وی صورت گرفت و سبب خلع او از قدرت شد. در نشست اخیر مرکوسور، که در 8 دسامبر 2009 در مونتو ویدئو برگزار شد، رهبران مرکوسور برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هندوراس را در فضایی مغایر با قانون

2. an atmosphere of unconstitutionality, illegitimacy and illegality

3. در این میان نقش روبرتو میچلتی که پس از اجرایی ساختن نقشه کودتا، به عنوان رئیس جمهور به رسمیت شناخته نشد و در واقع عرصه را برای ریاست جمهوری لوبو (که در دور قبلی انتخابات مغلوب زلایا شده بود) هموار ساخت، حائز اهمیت است اگر این امر مؤید به کارگیری میچلتی به عنوان یک مهره و سپس عدم حمایت از وی نبوده باشد، بدون تردید به معنای به رسمیت شناختن کودتا است که در نتیجه، اساساً انتخابات مجدد تا پیش از اتمام دوره ریاست جمهوری زلایا غیرقانونی است. در هر دو مورد یاد شده، نقش حامیان کودتا دارای وضوح است.

۱. واژه‌ای است اسپانیولی به مفهوم "بازار جنوب"

معنای حمایت از کودتا است. لازم به ذکر است که پرو، کاستاریکا و پاناما نیز که کودتای مزبور را محکوم می‌دانستند، نتایج انتخابات را به رسمیت می‌شناسند.

در 4 دسامبر 2009، خوسه میگل اینسولزا، دبیرکل سازمان کشورهای آمریکایی، "پورفیریو لوبو" را که چند روز بعد در انتخابات پیروز شد بهترین گزینه برای بازیابی دموکراسی در آمریکای لاتین خواند.

سازمان کشورهای آمریکایی که موضع آمریکایی خود را به دفعات آشکار ساخته است، به گفته سران این سازمان، عملکردی انفعالی در قبال بحران سیاسی حاصل از کودتا در هندوراس داشت. این سازمان می‌کوشد تا با شعار دموکراسی، تغییرات آمریکاپسندانه را در آمریکای لاتین اعمال کند و جریانات سیاسی را در راستای تأمین منافع ایالات متحده آمریکا رقم بزند. از آنجا که کشورهای آمریکای لاتین به دنبال کسب دموکراسی در این قاره می‌باشند، استفاده نمادین و گمراه‌کننده آمریکا از این سازمان، رویکردی است که گاه می‌تواند سایر ملل را در عملکرد ایالات متحده آمریکا در قبال آمریکای لاتین به تردید افکند. به عنوان نمونه هیلاری کلینتون، سازمان کشورهای آمریکایی را متکی بر اصول دموکراسی دانست و اعلام کرد که کوبا برای پیوستن به این سازمان باید حائز شرایط دموکراتیک باشد. این در حالی است که کوبا و سایر کشورهای منتقد آمریکا در منطقه، این سازمان را نافی دموکراسی آمریکای لاتین و ابزار پیشبرد سیاست‌های آمریکا در منطقه قلمداد می‌کنند.

اگرچه دیوان عالی هندوراس و حتی حزبی که زلایا از آن برخاسته بود، روابط عمیق وی با چاوز را مورد انتقاد قرار داده‌اند و پیروی از چاوز در استمرار ریاست جمهوری

را مغایر با دموکراسی می‌دانند، تعریف کشورهای عضو مرکوسور از دموکراسی، نمود دیگری دارد.

دموکراسی در آمریکای لاتین با ظهور تمایلات مردم‌گرایانه و ضدامپریالیسم، به دموکراسی مجموعه آمریکای لاتین تبدیل شده و کشورهای این منطقه، دموکراسی یک ملت واحد را در شاکله‌ای که به نقض استقلال سایر کشورهای منطقه منجر گردد و یا موجد دستاویزی برای امپریالیسم باشد، نمی‌پذیرند.

در این میان ایالات متحده آمریکا با گریز از مفهوم دموکراسی برای مجموعه کشورهای منطقه، می‌کوشد تا با رویکردی حمایت‌گرانه، به احقاق حقوق دموکراتیک صرفاً در قالب نتایج حاصل از یک انتخابات بسنده کند. در حالی که زیربنای این انتخابات خود ناقض اصل دموکراسی است، مسأله‌ای که دولت ایالات متحده سعی در انکار آن دارد.

به منظور شفاف‌سازی تعریف موافقان و مخالفان امپریالیسم در منطقه، از مفهوم دموکراسی، آنچه در مورد جریانات اخیر آمریکای لاتین و موضع‌گیری‌های کشورهای این منطقه نیازمند توضیح است تفکیک خواسته‌ها و آرمان‌هایی است که کشورهای منطقه دنبال می‌کنند. همگرایی کشورهای آمریکای لاتین و مبارزه با امپریالیسم، با مفهوم احقاق حقوق دموکراتیک هر یک از کشورهای منطقه و مبارزه با استبداد در درون دولت‌های آمریکای لاتین ادغام شده و موجبات دستاویزی با ظاهر حمایت‌گرانه را برای ایالات متحده فراهم آورده‌است. به اعتقاد شورهایی که هم اکنون نتایج انتخابات ریاست جمهوری هندوراس را به رسمیت می‌شناسند و روابط خود با این کشور را در پی گرفته‌اند، بزرگترین تهدید برای دموکراسی آمریکای لاتین، رؤسای جمهوری هستند که با تلاش برای تمدید دوران ریاست جمهوری خود، اصل

1 . José Miguel Insulza

2 . Porfirio Lobo



دموکراسی را زیر سؤال می‌برند. به درازا انجامیدن دوران ریاست جمهوری چاوز، که سرآغاز این امر بود، آمریکا را بر آن داشت تا این نکته را اهرمی برای مواجهه با مبارزان امپریالیسم - که چاوز خود داعیه‌دار آن بود - قرار دهد.

اما به اعتقاد کشورهایی که از به رسمیت شناختن دولت لوبو امتناع می‌ورزند، حمایت از دولت فعلی هندوراس، به معنای حمایت از کودتا و ناقض مسلم دموکراسی است؛ چرا که ابقای ریاست جمهوری زلایا جز با رأی مردم هندوراس میسر نمی‌نمود؛ از آنجاکه زلایا بر آن بود تا با برگزاری یک همه‌پرسی به تغییر قانون اساسی و در نتیجه تمدید دوران ریاست جمهوری خود مبادرت ورزد، مشهود است که در صورت عدم کسب آرای لازم در موعد مقرر، انتخابات دور بعدی ریاست جمهوری برگزار می‌شد تا مردم هندوراس جایگزین مناسب‌تری را برای او انتخاب کنند. از آنجا که انتخاب مجدد وی منوط به اخذ آرای اکثریت بود، کودتایی که به خلع وی انجامید، مؤید محبوبیت زلایا در هندوراس و حاکی از هراس کودتاچیان از استمرار حاکمیت وی است. زلایا نیز تلاش خویش برای ابقا را در راستای حفظ و تقویت دموکراسی در هندوراس قلمداد می‌کرد و به بیان وی توزیع عدالت، تنها میان قدرتمندان، اغنیا و سرمایه‌داران، مشکلاتی را برای دموکراسی ایجاد می‌کند.

در واقع، پیوستن زلایا به مبارزان ضدامپریالیست سبب شد تا مخالفان وی با کودتایی (به تعبیری متناقض با تعبیر زلایا برای کسب دموکراسی) بکوشند و هندوراس را از دایره مبارزان علیه امپریالیسم خارج کرده و همانند گذشته به جمع یاران آمریکا در منطقه سوق دهند.^۱

۱. حمایت آمریکا از ارتش هندوراس و اعطای کمک‌های نظامی و اقتصادی به این کشور همواره قابل توجه بوده است.

در نگاه اول، با آشنایی اندکی از سیاست‌های حاکم در این منطقه، دسته‌بندی اغلب کشورهای آمریکای لاتین به دو دسته دوست و دشمن ایالات متحده آمریکا قابل گمانه‌زنی است. ونزوئلا داعیه‌دار مخالفت با امپریالیسم آمریکا در منطقه بوده و به دنبال آن بولیوی و سپس، در سطحی نازل‌تر، اکوادور و نیکاراگوئه قرار دارند. دوستان اصلی آمریکا در منطقه نیز شامل کلمبیا، پرو و مکزیک و چند کشور کوچک‌تر، نظیر السالوادور و پاراگوئه می‌باشند. سایر کشورها نیز در میانه این دو دسته قرار دارند که از میان آنان، موضع کشورهای برزیل، شیلی، آرژانتین و اروگوئه شفاف‌تر است. روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی این کشورها با آمریکا نیز مؤید این دسته‌بندی است. کسب استقلال دیپلماسی، اقتصادی و نظامی هر یک از کشورهای منطقه و به دنبال آن همگرایی این کشورها که هدف غایی آن سلطه‌زدایی منطقه است، به عنوان محرک بروز تمایلات هژمونیک آمریکا گردیده و ادعای گرایش‌های حمایت‌گراانه این کشور از دموکراسی را زیر سؤال برده است. حمایت آمریکا از گروه‌های مخالف و ناراضی و تلاش در جهت کودتا در ونزوئلا و بولیوی و به تازگی در هندوراس از نمونه‌های مشهود بوده‌اند. این در حالی است که دولت‌های کلمبیا و مکزیک دریافت‌کننده حمایت‌های کلامی از تحلیلگران رسانه‌ها بوده و بخش قابل توجهی از کمک‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند. کلمبیا با 657 میلیون دلار و مکزیک با 579 میلیون دلار، اولین کشورهای آمریکای لاتین به لحاظ دریافت کمک‌های مالی آمریکا در سال 2009 بوده‌اند. حجم مبادله سلاح‌های نظامی نیز صحتی بر این مدعاست. در سال‌های 2006 و 2007، میزان سلاح‌ها و تجهیزات نظامی فروخته شده به کلمبیا و مکزیک از

مجموع این مبادلات در سایر کشورهای منطقه بیشتر بود.¹ این در حالیست که میزان خرید این تجهیزات از آمریکا، در ونزوئلا و بولیوی به ترتیب 38 میلیون دلار و 17 میلیون دلار بوده است.

به علاوه هزینه‌های نظامی و اقتصادی هنگفتی که آمریکا در منطقه خرج می‌کند، غالباً یا به تقویت ارتش‌های حامی آن منجر شده و یا به غنی‌تر شدن سرمایه‌داران می‌انجامد. به تعبیر دیگر، این کمک‌ها الزاماً به دولت‌های منطقه نبوده و حمایت مالی آمریکا از گروه‌های مخالف و ناراضی در بولیوی و ونزوئلا بیانگر آن است که هدف اولیه، تأمین منافع امپریالیستی است و نه تأمین دموکراسی و برابری.²

تاریخچه مبارزات مردمان آمریکای لاتین نشان می‌دهد که بومی‌گرایی و حمایت از اقشار بدون قدرت در

این کشورها که بخش اعظم ساکنان منطقه را تشکیل می‌دهند بدون شک مفهومی راستین از معنای دموکراسی خواهد بود. الهیات آزادیبخش، نه تنها در پی رفع قدرت فائده بر منطقه بلکه در جستجوی رفاه و برابری حقوق تمام اقشار و نژادهای هر کشور در منطقه آمریکای لاتین ظهور یافت. تحقق آرمان‌های آزادی طلبانه با آن شرط که دو مفهوم مبارزاتی یادشده علیه امپریالیسم منطقه‌ای و استبداد ملی همواره جایگاه تعریف شده خود را حفظ نمایند و هیچ یک دیگری را مخدوش ننموده و تحت‌الشعاع قرار ندهد، نیازمند رهبرانی است که ضمن مبارزه با امپریالیسم، بتوانند دموکراسی را در کشور خود تحقق بخشند و در تأمین این خواسته تنها میزان، به بیان رهبر کبیر انقلاب، رأی ملت است.

پریسا شاه محمدی

مرکز مطالعات آمریکا

1. حجم این مبادلات برای کلمبیا 696 میلیون دلار و برای مکزیک 648 میلیون دلار بوده است.

2. در این مورد، کمک‌های مالی آمریکا در جهت مبارزه با قاچاق مواد مخدر در کشورهای نظیر کلمبیا و مکزیک اغماض نمی‌گردد.



